

معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران
اعلام کرد
انجام فعالیت‌های عمرانی
کم سابقه در پایتخت

غیرهمسطح بزرگراه فتح یا بلوار ایران خودرو سخن می‌گفت، افزود: «روند به ثمر رسیدن فعالیت‌های عمرانی شهرداری تهران طی سال ۱۳۹۲ با راه‌اندازی تونل جنوبی نیایش در روز اول اردیبهشت ماه آن سال آغاز شد.»

معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران، مجموعه طرح‌هایی را که در سال ۱۳۹۲ به ثمر رسید اقداماتی قابل ملاحظه و کم سابقه در تاریخ بلدی پایتخت توصیف کرد. به گزارش خبرنگار همشهری محله، دکتر «مازیار حسینی» که در حاشیه مراسم بهره‌برداری از زیرگذر تقاطع

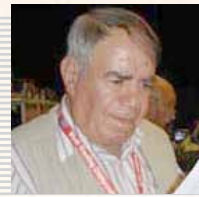
حمید مصدق
طبع شاعرانه

محدوده شهرآرا محل خلق تعدادی از بهترین اشعار تاریخ ادبیات معاصر کشورمان است. «حمید مصدق»، شاعر بلندآوازه، یکی از ساکنان معروف کوی نویسندگان بود. او سال‌ها در این کوی زندگی کرد و همانجا هم از دنیا رفت. مصدق بهمن سال ۱۳۱۸ در «شهرضا» به دنیا آمد. خانواده‌اش اندکی بعد به اصفهان رفتند و او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر گذراند. پدرش حاج «عبدالحسین مصدق» از کاسب‌های خوشنام اصفهان و اوضاع مالی خانواده‌اش روبه راه بود. آنان در یک خانه قدیمی با شیشه‌های رنگی زندگی می‌کردند. مصدق کودکی‌اش را در چنین خانواده‌ای سپری کرد و سال ۱۳۳۴ به دبیرستان رفت. او هم مدرسه‌ای «محمد حقوقی»، «هوشنگ گلشیری»، «بهرام صادقی» و «منوچهر بدیعی» بود. آنان با هم ارتباط نزدیکی داشتند و در انجمن‌های مختلف مدرسه فعالیت می‌کردند. مصدق که از همه آنان سن و سال کمتری داشت مسئول کتابخانه بود. سپس مصدق به دانشگاه رفت و در رشته‌های بازرگانی و حقوق درس خواند. سال ۱۳۵۰ فوق لیسانس گرفت و یک سال بعد با «لاله خشکبانی» فرزند استاد «رضا خشکبانی» و برادرزاده «شهریار» ازدواج کرد. بعد از ازدواج، با همسرش به کوی نویسندگان آمد و در همان سال‌ها وکیل دادگستری تهران شد.



حمید مصدق

سستون «رخصت» در هفته‌نامه «آتیه» حاصل تلاش‌های او بود که لحنی انتقادی و تند داشت. لطیف از همین سستون مسائل کشتی را نقد و تحلیل می‌کرد. روی همه ایرادهای کشتی دست می‌گذاشت و به مردم توضیح می‌داد. به همین دلیل محبوب فدراسیون کشتی نبود. لطیف، روحیه جست‌وجوگری داشت و همین ویژگی از او روزنامه‌نگار ساخت. او هیچ‌وقت از کارش کم نگذاشت. به همین دلیل بارها با سردبیر برای درج بهترین مطلب بحث می‌کرد. همکارانش می‌گویند لطیف برای شغلش احترام، قائل و به قول معروف تولیدکننده بود. لطیف تا زمان مرگ هم قلم می‌زد. وقتی فوت کرد برای چند روز بعد هم به هفته‌نامه مطلب داده بود. روز سوم دی ماه سال ۱۳۸۷ ورزشکاران، کارشناسان و مردم برای بدرقه او به دیار باقی به کوی نویسندگان آمدند.



منوچهر لطیف

ادبی دیگر هم همکاری کرد. پس از مدتی سردبیر نشریه «دنیای سخن» شد و برای مجله‌هایی مانند «فردوسی»، «آدینه» و «جهان» نوشت. او ۲۰ سال است که در خانه‌اش در کوی نویسندگان به تحقیق و نوشتن رمان و شعر مشغول است. تاکنون آثار متعددی از جواد مجابی چاپ شده است. او مجموعه شعر، ۴ مجموعه داستان، ۹ رمان و چندین نمایشنامه و فیلمنامه منتشر کرده است. مجابی کتابی ۶ جلدی دارد که در سال‌های اخیر منتشر کرده است. این کتاب درباره زندگی و تحلیلی از آثار نقاشان و مجسمه‌سازان ۵۰ سال گذشته است. علاوه بر این پژوهش دیگری درباره سیر شوخی‌های ادبی در کتاب‌های نظم و نثر انجام داده که بر پایه تحولات اجتماعی هزار سال گذشته نوشته شده است. مجابی شاعر، نقاش، محقق ادبی و هنری، روزنامه‌نگار و طنزپرداز و در همه این رشته‌ها صاحب اثر است.



جواد مجابی

ذبیح‌الله منصورى
يك مترجم آزاد

«ذبیح‌الله منصورى» نام مطبوعاتی یکی از مشهورترین ساکنان کوی نویسندگان بود. اسم اصلی‌اش «ذبیح‌الله حکیم الهی دشتی» بود. او از سال ۱۲۹۲ وارد مطبوعات شد و ۷۰ سال روزنامه‌نویسی کرد. منصورى در نشریه‌های مختلفی قلم می‌زد و عمده کارهایش در نشریه هفتگی «خواندنی‌ها» چاپ می‌شد. اما شهرتش را مدیون ترجمه رمان‌های تاریخی است. رمان‌هایی که همه از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها در بازار نشر هستند. هنوز تاریخ‌نویسان بسیاری به شیوه ترجمه این کتاب‌ها انتقاد می‌کنند. منصورى به اصل متن‌ها وفادار نبود و ترجمه‌های او از کتاب‌های تاریخی با افسانه و داستان‌های ذهنی‌اش همراه بود. به همین دلیل برخی، کتاب‌های منصورى را قابل استناد نمی‌دانند. منصورى ترجمه را ۲ نوع می‌دانست. نوع اول ترجمه لغت به لغت و نوع دوم اقتباس آزاد و بسط داستان بود. او طرفدار ترجمه نوع دوم بود. منصورى ۱۴۰۰ اثر را به شیوه مورد علاقه‌اش ترجمه کرد و در خرداد ۱۳۶۵ در بیمارستان شریعتی تهران از دنیا رفت. اما دعوا بر سر اقتباس‌ها و ترجمه‌هایش هنوز ادامه دارد.



ذبیح‌الله منصورى

محله‌ای برای نویسندگان

یکی از ویژگی‌هایی که محله‌های ما را متفاوت می‌کند حضور افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. در محله شهرآرا شهرکی با نام «کوی نویسندگان» که همه شهروندان اهل فرهنگ و ادب هستند. نویسندگان، شاعران و روزنامه‌نگارانی که سال‌های زیادی از عمرشان را برای توسعه علم و ادب کشور سپری کردند که اکنون در همین محله ساکن هستند یا به محله‌های دیگر رفته‌اند و برخی از آنان فوت کرده‌اند اما یادشان در محله باقی است. شمال ساختمان‌های قدیمی شهرک کوی نویسندگان به بزرگراه جلال آل احمد تکیه دارد و ضلع غربی‌اش هم به بزرگراه شیخ فضل‌الله‌نوری می‌رسد.

داستان شکل‌گیری این محله و ساختمان‌هایش از سال ۱۳۴۸ آغاز می‌شود. درست از سالی که اعضای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران به فکر ساخت یک مجتمع مسکونی افتادند و ساختمان‌ها ساخته شد ۲۲ نفر از نویسندگان کم‌کم به آنجا آمدند، اما اکنون فقط ۴۲ نفر از این هنرمندان در آنجا زندگی می‌کنند.

هنرمندانی مثل «حمید مصدق»، «ذبیح‌الله منصورى»، «منوچهر لطیف» و بسیاری دیگر در این محله در گذشته‌اند و برخی دیگر هم خانه‌هایشان را فروخته‌اند و از کوی رفته‌اند. ولی هنوز افرادی مثل «جواد مجابی»، «سعود مهاجر»، «غلامرضا ثریا»، «اسماعیل یگانگی»، «علی اکبر مهدیان»، «عبدالله رحیمیان»، «علی طواف‌زاده»، «محمد رحمانی» و... در این کوی زندگی می‌کنند.

جواد مجابی
ادبیات و فرهنگ

«جواد مجابی» هنوز در کوی نویسندگان زندگی می‌کند. او سال ۱۳۱۸ در قزوین متولد شد. اوایل دهه ۴۰ لیسانس حقوق و دکترای اقتصادش را در دانشگاه تهران گرفت. وقتی به ۱۹ سالگی رسید برای کار به دادگستری رفت و مدتی بعد کارمند وزارت فرهنگ و هنر شد. در همین سال‌ها روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را شروع کرد. سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸ سال‌های همکاری مجابی با روزنامه اطلاعات بود. بعدها مجابی با مجله‌های

منوچهر لطیف
روزنامه‌نگار فعال

«منوچهر لطیف» را شهرآرای‌های قدیمی به خوبی می‌شناسند. روزنامه‌نگار ورزشی‌نویس که سال‌ها همسایه آنان در کوی نویسندگان بود. روزنامه‌نگار کهنه‌کاری که ۵۰ سال قلم زد. رویدادهای ورزشی و به‌ویژه ورزش کشتی را دنبال می‌کرد و به بهترین شکل ممکن درباره آنها می‌نوشت. حافظه‌اش پر از این اخبار و رویدادها بود. به همین دلیل کارشناسان کشتی به او آرشيو زنده کشتی ایران می‌گفتند.